

شماره ترتیب	اصطلاح	محل استعمال	اسم مفعول	معنی لغوی
۱۲۲	مشارك	بحری از بحر تازه تر	شريك	انباز
۱۲۳	مشطور	مربع حاصل شده از سدس مجزوه	شطر	پاره‌ئی از چیزی
۱۲۴	مصنوع	بحری است از بحر تازه تر	صنع	ساختن
۱۲۵	مضارع	نام بحری از بحر مشترکه که در چهار جزء بودن و تقدم او تاد بر اسباب مانند هزج است		مشابه و مقابل
۱۲۶	معاقب	مواظبت در اینکه از دو جزء بهلوی هم یا هیچ حذف نشود یا اگر حذف شود از یکی بشود از یکی نشود	تعقب	دنبال نمودن
۱۲۷	معتدل	عروض و ضرب در وزن برابر باشد		
۱۲۸	معری	یتی که چیزی بر جزء افزوده نشده باشد	عریان	بره
۱۲۹	مکوس	بحری است از بحر تازه تر		
۱۳۰	معوم		عماده	دستار
۱۳۱	معین			
۱۳۲	مقتضب	نام بحری از بحر مشترکه که از جزء سوم سریش قلب شده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی		چیزی باز بریده شده‌آز
۱۳۳	منسرح	نام بحری است از بحر مشترکه که اسباب بر او تاد مقدم است و آسان تلفظ شود		چیزی از لباس خویش بیرون آمده
۱۳۴	منظومه	آیاتی که مصارع اول و دوم هر بیت قافیه است ولی مصرع دوم آیات با هم قافیه نیست		
۱۳۵	مهتوك	يك جزء از بحر سدس کم شده باشد	هتك	برده از راز بر داشتن
۱۳۶	مهمل	بحری است از بحر تازه تر	مهمل	بی معنی
۱۳۷	موفور	جزئی است که خرم در آن جائز نباشد و خرم نشود	قراوان	

شماره ترتیب	اصطلاح	محل استعمال	اسم مفعول	معنی لغوی
		<u>(ن)</u>		
۱۳۸	نحر	اجتماع کشف و جديع در مفعولات	منحور	گلو بریده
۱۳۹	نقص	اسکان (ل) مفاعلتن و تبدیل به مفاعلتن واسقاط حرف آخر و اسکان حرف ما قبل آخر	منقوص	ناقصی
		<u>(و)</u>		
۱۴۰	وافر	نام بحری است از بحور مخصوصه عرب		(فراوان)
۱۴۱	وافی	چیزی از اصل جزء در بیت کم نشده باشد		
۱۴۲	وقف	اسقاط حرف دویم از مفاعلتن		کردن کوتاه
۱۴۳	وقف	اسقاط حرف آخر و اسکان حرف ما قبل آخر از مفعولات	موقوف	ایستاده
		<u>(ه)</u>		
۱۴۴	هتم	اجتماع قصر و حذف	اهتم	دندان پیشین شکسته
۱۴۵	هزج	اشعاری که بیشتر از اوانی اجزاء و موجب تحسین است و نام بحری است از بحور مشترکه		زمزمه (۱)

(۱) - در معنی اصطلاحات هر جا اسم مفعول چون اصطلاح ذکر شده مصدر بجای اسم مفعول نوشته شده که با القرینه معلوم است البته اصطلاحات دیگری هم هست که برای اختصار ذکر نشده آنانکه مایلند به کتاب المعجم فی معانی آثار العجم مرحوم شمس الدین محمد قیس رازی مراجعه فرمایند.

اخگر